



اظهار نظر کارشناسی درباره:

« طرح الحاق یک ماده به قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران و اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی »

مقدمه

طرح حاضر به شماره ثبت ۷۱۹ که ابتدا با عنوان «طرح الحاق یک تبصره به قانون انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی» با قید دو فوریت به مجلس تقدیم شده بود، در تاریخ ۱۳۹۹/۱/۳۰ با اصلاح عنوان به «طرح الحاق یک ماده به قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران و اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی» به تصویب کمیسیون مربوطه رسیده است. در این گزارش به بررسی مفاد مصوبه کمیسیون خواهیم پرداخت.

مخصوص سخن علنی

مشخصات طرح

دوره دهم - سال چهارم

شماره ثبت:

۷۱۹

شماره چاپ:

۱۸۵۰

تاریخ چاپ:

۱۳۹۹/۲/۱

معاونت پژوهش‌های

سیاسی - حقوقی

دفتر مطالعات

حقوقی

سایر دفاتر:

دفتر مطالعات

سیاسی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۴۰۱۷۰۱۸

تاریخ انتشار:

۱۳۹۹/۲/۱۳

بررسی مصوبه کمیسیون

ماده (۱)

۱. نکته‌ای که درخصوص مفاد ماده (۱) وجود دارد این است که اولاً براساس ماده (۵۷) قانون انتخابات ریاست جمهوری، «شورای نگهبان ظرف پنج روز از تاریخ وصول مدارک داوطلبان به صلاحیت آنان رسیدگی و نظر خود را صورتجلسه نموده و یک نسخه از آن را به وزارت کشور ارسال می‌دارد» و در این رابطه بجز خود شورای نگهبان مرجع دیگری صلاحیت رسیدگی ندارد و لذا مشخص نیست حکم ماده الحاقی درخصوص انتخابات ریاست جمهوری به چه نحو محقق خواهد شد و آیا ترتیب دیگری در این رابطه ایجاد نموده است یا خیر.

ثانیاً براساس «قانون لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبین رد صلاحیت شده در انتخابات مختلف» (مصوب ۱۳۷۸/۰۸/۲۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام)، «کلیه مراجع رسیدگی کننده صلاحیت داوطلبان در انتخابات مختلف موظفند چنانچه صلاحیت داوطلبی را رد کردند علت رد صلاحیت را به شرح مقرر در این قانون با ذکر مواد قانونی مورد استناد و دلایل مربوط به داوطلب ابلاغ نمایند». بنابراین مصوبه مجمع ترتیب ابلاغ استنادات و دلایل رد صلاحیت را به شرح مقرر در قانون مزبور مشخص نموده است. لذا ماده (۱) از مصوبه حاضر درواقع به نوعی اصلاح ترتیبات مقرر در قانون مزبور می‌باشد که به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است.

همچنین براساس ذیل تبصره ماده واحده قانون مزبور «... در صورت تقاضای داوطلبان رد صلاحیت شده اولین مرجع رسیدگی کننده به شکایات، حسب مورد موظف است توضیحات و دفاعیات آنان را استماع نماید». این درحالی است که در ماده پیشنهادی حاضر مشخص نیست آیا تکلیف اخذ توضیحات از داوطلب همان مرجع اولیه است و یا مرجع رسیدگی کننده به اعتراض.

بنابراین مفاد ماده حاضر از جهت اصلاح مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص «قانون لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبین رد صلاحیت شده در انتخابات مختلف»، مغایر اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی به نظر می‌رسد.

ثالثاً اطلاق تسلیم استنادات و گزارش‌هایی که موجب رد صلاحیت داوطلب شده است به وی، نسبت به موضوعات امنیتی از جهت رعایت مصالح امنیتی محل تأمل است. همچنین در رابطه با مسائل اخلاقی و منافی عفت عمومی نیز چنین اطلاقی واجد ایراد به نظر می‌رسد.

۲. اینکه در تبصره «۲» این ماده مهلت رسیدگی برای محاکم صالح قضایی مشخص شده است، از حیث تکلیف مراجع قضایی در مواردی که براساس بررسی‌های خود به رأی نرسیده است، واجد ایراد می‌باشد. لازم به ذکر است که چنین موضوعی پیشتر نیز از سوی شورای نگهبان مغایر موازین شرع شناخته شده است.

۳. در تبصره «۵» الزام مراجع رسیدگی به صلاحیت نامزدها به ارسال مدارک و گزارش‌های جدید پس از اعتراض نامزدها، نسبت به مواردی که هنوز مهلت قانونی مراجع مزبور وجود داشته باشد واجد ایراد است.

ماده (۳)

حذف تبصره «۲» ماده (۲۰)^۱ به جهت ابهامی بوده است که ناظر به این تبصره و تبصره «۲» مکرر^۲ همین ماده وجود داشته است. با این توضیح که هر دو تبصره به نحوه تعیین تکلیف آرای نامزدهای هم‌نام پرداخته است. لکن باید به این موضوع توجه داشت که تبصره «۲» مکرر ناظر به نامزدهای هم‌نامی است که یکی از آنها سرشناس و معروف و دیگری ناشناخته و گمنام باشد، لکن تبصره «۲» مربوط به وضعیتی است که اگرچه تشابه اسمی بین دو نام وجود دارد، لکن از حیث معروفیت و شناخته شدن تفاوتی بین دو نامزد مزبور وجود ندارد و در چنین حالتی حکم تبصره «۲» حاکم خواهد بود.

لذا حذف این تبصره در وضعیتی که هیچ‌کدام از نامزدهای هم‌نام نسبت به دیگری شناخته شده‌تر نباشند، باعث ابهام در نحوه شمارش آرای این نامزدها در مواردی خواهد شد که آرای آنها به هیچ‌وجه قابل تشخیص و تفکیک نباشد.

ماده (۴)

نکات ذیل در خصوص این ماده قابل طرح است:

اول اینکه مطابق بند «۲» ماده (۲۸) قانون موجود «التزام عملی به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران» نیز به‌عنوان یکی از شروط انتخاب‌شوندگان در نظر گرفته شده است و در ماده اصلاحی حاضر چنین شرطی وجود ندارد. این درحالی است که براساس اصل شصت و هفتم قانون اساسی «پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران و مبانی جمهوری اسلامی» به‌عنوان یکی از مفاد سوگندنامه نمایندگان می‌باشد و بدون شک داوطلبان نمایندگی باید بدواً به نظام جمهوری اسلامی ایران التزام عملی داشته باشند تا قادر به پاسداری از آن باشند.

۱. تبصره «۲» - چنانچه آرای ریخته شده به صندوق به علت تشابه اسمی نامزدهای انتخاباتی به هیچ‌وجه قابل تشخیص و تفکیک نباشد به نسبت آرای نامزدهای دارای تشابه اسمی در آن صندوق میان آنان تقسیم می‌شود و در مورد رأی یا آرای باقیمانده غیرقابل تقسیم، به حکم فرعه عمل خواهد شد.
۲. تبصره «۲» مکرر (الحاقی ۱۲/۱۰/۱۳۷۸) - به منظور تسهیل امر نظارت و حفظ آرای واقعی مردم و جلوگیری از تضییع حقوق داوطلبان نمایندگی، چنانچه نامزدهای در حوزه انتخابیه به تشخیص هیئت اجرایی یا نظارت برای عامه مردم ناشناخته و گمنام باشد ولی نام خانوادگی و یا نام و نام خانوادگی او مشابه نام خانوادگی و یا نام و نام خانوادگی یکی از داوطلبان سرشناس و معروف آن حوزه باشد، باید مشخصه‌ای مانند شماره (کد)، شغل، محل سکونت، نام پدر و غیره برای او تعیین و در آگهی انتشار اسمی نامزدهای انتخاباتی درج گردد. آرای فاقد آن مشخصه، برای او منظور نخواهد شد.
فرد مذکور می‌تواند در تبلیغات انتخاباتی خود مشخصه تعیین شده را قید نماید و چنانچه در ایام تبلیغات انتخاباتی اعلام انصراف نماید، داوطلب هم‌نام او می‌تواند قبل از روز انتخابات از طریق روزنامه و یا صدور اطلاعیه ادامه داوطلبی خود را برای رفع ابهام اعلام نماید.

دوم اینکه براساس بند «۲» از ماده حاضر صرف «ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل ولایت فقیه» به عنوان یکی از شروط داوطلبی شناخته شده است. در این خصوص اگرچه در بند «۳» ماده (۲۸) قانون فعلی نیز نظیر بند حاضر، «ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه» به عنوان یکی از شرایط داوطلبی نمایندگی مجلس شناخته شده است، لکن اولاً در اظهارنظر شورای نگهبان درخصوص طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات، علی‌رغم وضعیت موجود، اکتفا به همین مفاد در طرح اصلاحی از سوی شورای نگهبان مغایر سیاست‌های کلی انتخابات شناخته شد.^۱ ثانیاً در قانون موجود به قید «مطلقه» نیز اشاره شده است، اما در ماده حاضر قید مزبور نیز حذف شده است.

سوم اینکه براساس صدر تبصره بند «۳» «عدم اعتقاد داوطلب به اسلام با اقرار او و عدم التزام عملی داوطلب به اسلام با حکم قطعی دادگاه صالح مبنی بر فساد مالی یا اخلاقی وی به اثبات می‌رسد...». نکته‌ای که در این خصوص وجود دارد آن است که نمی‌توان به صرف حکم قطعی دادگاه صالح مبنی بر فساد مالی یا اخلاقی حکم به احراز شروط اعتقاد و التزام به اسلام نمود. به خصوص با توجه به اصول متعدد قانون اساسی (اصول دوم، هفتادویکم، هفتادودوم و شصت‌وهفتم) به نظر می‌رسد آنچه مدنظر قانونگذار اساسی است چیزی فراتر از این موارد بوده و مقصود از «التزام عملی به اسلام» پایبندی به احکام و دستورات شریعت مقدس اسلام است هرچند در دادگاه اثبات نشود.

چهارم اینکه مطابق ذیل تبصره بند «۳» پیشنهادی، منابع استعلام وزارت کشور و شورای نگهبان مذکور در ماده (۴۸) قانون محدود به چند مرجع شده است که عبارتند از وزارت اطلاعات، دادستانی کل، سازمان ثبت احوال کشور و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران. نکته قابل ملاحظه‌ای که درخصوص این حکم وجود دارد آن است که ممکن است احراز برخی از شرایط قانونی داوطلبان نیازمند به استعلام از سایر نهادها باشد و محدود نمودن «مراجع صالح» به نهادهای مذکور، موجب ایجاد محدودیت مقام ناظر در نظارت بر فرآیند رسیدگی به صلاحیت‌ها و اجرای اصل نودونهم قانون اساسی خواهد بود. بر همین اساس در بند «۳-۱۰» سیاست‌های کلی انتخابات^۲ نیز به استعلام از «مراجع ذی‌صلاح» اشاره نموده و محدود به موارد خاصی نشده است.

پنجم اینکه براساس بند «۴» این ماده، علاوه بر مدرک تحصیلی، داوطلب باید دارای هفت سال سابقه خدمت اجرایی در بخش‌های خصوصی یا دولتی باشد، درحالی‌که هیچ تعریفی از «خدمت اجرایی» در قوانین وجود ندارد و در نتیجه شرط مزبور واجد ابهام است.

نتیجه‌گیری

با عنایت به نکات فوق‌الذکر و وجود برخی ابهامات و نیز با توجه به احتمال مغایرت با برخی اصول مذکور از قانون اساسی تصویب این طرح پیشنهاد نمی‌شود همچنین انجام بررسی‌های بیشتر و اعمال برخی اصلاحات از طریق کمیسیون محترم لازم به نظر می‌رسد.

۱. اظهارنظر شماره: ۹۸/۱۰/۹۷۱۲ مورخ ۹۸/۲/۴: ۱۳۹۸

۲-۶- در جزء «۴» بند «الف»، اکتفا به ابراز وفاداری بدون التزام عملی، مغایر بند ۱۰-۱ سیاست‌های کلی انتخابات و بالنتیجه مغایر بند «۱» اصل یکصدودهم قانون اساسی شناخته شد.

۲. اظهارنظر شماره: ۹۸/۱۰/۹۷۱۲ مورخ ۹۸/۲/۴: ۱۳۹۸

۳-۱۰- بررسی دقیق و احراز شرایط لازم برای صلاحیت نامزدها با پیش‌بینی زمان کافی در چارچوب قانون هر انتخابات از طریق استعلام از مراجع ذی‌صلاح و پاسخگویی مسئولانه و به‌موقع آنها.